

یهودیان و گسترش بابی‌گری و بهایی‌گری



پدیده «یهودیان مخفی» (انوسی‌ها) و نقش ایشان در پیدایش و گسترش بابی‌گری و بهایی‌گری عامل مهمی در تحولات معاصر ایران است و باید به دور از هرگونه افراط و تفریط، مورد شناسایی مستند و علمی قرار گیرد. طبق بررسی نگارنده، گسترش سریع بابی‌گری و بهایی‌گری و به ویژه نفوذ منسجم و عمیق ایشان در ساختار حکومتی قاجار، از دوران مظفرالدین شاه، بدون شناخت این پیوند غیرقابل توضیح است.

در بررسی تاریخ پیدایش و گسترش بابی‌گری در ایران، نمونه‌های فراوانی از گروه یهودیان جدیدالاسلام به این فرقه مشاهده می‌شود که به رواج دهندگان اولیه بابی‌گری و عناصر مؤثر در رشد و گسترش آن بدل شدند. می‌دانیم که بابی‌گری را یک یهودی جدیدالاسلام ساکن رشت، به نام «میرزا ابراهیم جدید»، به سیاهکل وارد کرد. 1 و نیز می‌دانیم اولین کسانی که در خراسان بابی شدند یهودیان جدیدالاسلام مشهد بودند. 2 معروف‌ترین ایشان ملا عبدالخالق یزدی است که ابتدا در یزد اقامت داشت. او از علمای دین یهود بود و پس از مسلمان شدن در زمره اصحاب مقرب شیخ احمد احسایی جای گرفت و احسایی هفت سال در خانه وی سکونت داشت. ملا عبدالخالق یزدی سپس به مشهد مهاجرت کرد، در صحن حضرت رضا (ع) نماز جماعت و بساط منبر و وعظ برقرار نمود و به نوشته مهدی بامداد به یکی از «علمای طراز اول مشهد» بدل شد. 3 گوینو می‌نویسد:

«ملا عبدالخالق یزدی از شاگردان شیخ احمد احسایی بود... و از حیث مقام علمی و فضایل شهرت زیادی داشت و در انظار عامه احترام و اعتباری پیدا کرده بود». 4 یهودیان مشهدی که تعداد ایشان در سال 1831 حدود دوهزار نفر گزارش شده، در سال 1839 م. اندکی پس از استقرار کمپانی ساسون در بوشهر و بمبئی، پنج سال پیش از آغاز دعوت علی محمد باب، به طور دسته جمعی مسلمان شدند بی‌آنکه هیچ فشاری بر ایشان باشد و کدخدای ایشان، به نام ملامشایخ، به ملامهدی و خاخام ایشان، به نام ملا بنیامین یزدی، به ملا امین تغییر نام داد. گروهی از آنان به بابی‌گری پیوستند و بعدها نقش فعالانه‌ای در گسترش بهایی‌گری بر عهده گرفتند. 6 گروهی این یهودیان به اسلام واقعی نبود و ایشان به‌طور پنهان یهودی بودند. «دایرةالمعارف یهود» پدیده جدیدالاسلام‌های مشهد را در ذیل مدخل «یهودیان مخفی» مطرح کرده نه در مدخل «مرتدین» 7 و در جای دیگر تصریح می‌کند که آنان به عنوان «یهودیانی در لباس اسلام» به حیات خود ادامه دادند. 8 والتر فیشر، محقق یهودی، می‌نویسد که این جدیدالاسلام‌ها همچنان مخفیانه به دین یهود پایبند بوده و هستند. 9 فیشر این مطلب را در سال 1328 عنوان می‌کند. به عبارت دیگر، در طی دوران طولانی 110 ساله‌ای (1839-1949) که از مسلمان شدن این یهودیان می‌گذشت، اینان همچنان در خفا یهودی بودند.

از جمله این یهودیان مشهدی فردی به نام ملا ابراهیم ناتان را می‌شناسیم که رهبری یک شبکه فعال اطلاعاتی انگلیس را در منطقه بر عهده داشت و در سال 1844 (سال آغازین دعوی باب) به بمبئی مهاجرت کرد. توماس تیمبرگ می‌نویسد: ملا ابراهیم ناتان، به سان یهودیان بغدادی (ساسون‌ها و بستگان و کارگزاران ایشان) «دارای پیوندهای قوی» با جامعه یهودی خراسان بود و نیز دارای پیوندهای قوی با حکومت بریتانیا. 10 «دایرةالمعارف یهود» تصریح می‌کند که ملا ابراهیم ناتان رهبری یهودیان بخارایی، افغانی و ایرانی مقیم بمبئی را بر عهده داشت و «نقش مهمی در جنگ اول انگلیس و افغان ایفا نمود». 11 این مأخذ، در جای دیگر، از ملا ابراهیم ناتان به صراحت به عنوان «مأمور اطلاعاتی بریتانیا» یاد کرده است. 12

صرف نظر از انوسی‌ها (یهودیان مخفی)، نقش یهودیان علنی در ترویج و گسترش کمی و کیفی بابی‌گری و بهائی‌گری نیز چشم‌گیر است. اسماعیل راتین در واپسین کتابش، که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شد، می‌نویسد: «بیشتر بهائیان ایران یهودیان و زردشتیان 13 هستند و مسلمانانی که به این فرقه گرویده‌اند در اقلیت می‌باشند. اکنون سال‌هاست که کمتر شده مسلمانانی به آنها پیوسته باشد...» 14 سال‌ها پیش از راتین، در اوایل حکومت رضا شاه، آیتی نظر مشابهی ابراز داشت و به سلطه یهودیان بر جامعه بهائی ایران اشاره کرد: «این بشارتی است برای مسلمین که بساط بهائیت به طوری خالی از اهل علم و قلم شده که زمام خامه را به دست مثل حکیم رحیم و اسحاق یهودی و امثال او داده‌اند.» 15 راتین می‌نویسد:

بهائیان از بدو پیدایش تا به امروزه همواره از جهودان ممالک استفاده کرده آنها را بهائی کرده‌اند. می‌دانیم که ذات یهودی با پول و ازدیاد سرمایه عجین شده است، یهودیان ممالک مسلمان، که عده کثیری از آنها دشمن مسلمانان هستند و همه جا در پی آزار رسانیدن و دشمنی با مسلمین می‌باشند، خیلی زودتر از مسلمان به بهائیت گرویده‌اند و امتیازهای مالی بهره فراوان برده و می‌برند و مقداری نیز به مرکز بهائیت (عکا) می‌فرستند. 16 حسن نیکو، مبلغ پیشین بهائی، نظری مشابه دارد و می‌نویسد:

طبقه دیگر [بهائیان] یهودی هستند که با چه بغض عناد به اسلام معروف‌اند... در چنین صورتی اگر کسی علمی بلند کند که با عث تفریق و تشتت جمعیت اسلام شود و سبب تفریق مسلمین گردد، البته دشمن... دلشاد گردیده وی را استقبال می‌کند... [یهودیان] در دخول در مجامع و محافل بهائیان سه فایده مسلم برای خود تصور داشته: اول آنکه لاقال سیاهی لشکر دشمنی می‌شود که بر ضد اسلام قیام کرده و رایت تشتت و تفریق را بلند نموده است؛ دوم آنکه از مسئله اجتناب و دوری که در مسلمین شیخ نسبت به یهود بود مستخلص می‌شوند و با آنها معاشرت می‌کنند، بلکه وصلت می‌نمایند؛ سوم آنکه اگر غلبه و قدرت با بهائیان گردد عجالتاً خودی در حزب آنان وارد کرده باشند... 17

فضل الله مهتدی معروف به صبحی، مبلغ پیشین بهائی، که سال‌ها منشی مخصوص عباس افندی بود، می‌نویسد:

«به نظر این بنده بیشتر از آنان برای فرار از یهودیت بهائی شده‌اند تا گذشته از اینکه اسم جهود از روی آنها برداشته شود، در فسق و فجور نیز فی‌الجمله آزادی داشته باشند. و من از این قبیل یهودیان نه در همدان بلکه در طهران نیز سراغ دارم و بر اعمال آنان واقفم» 18.

صیحی مهدی اشاراتی به عملکرد یهودیان بهائی شده دارد. از جمله می‌نویسد:

از چند سال پیش من آگهی پیدا کردم که شوقی همه خویشاوندان و پدر و مادر و برادرها و خواهرها و دانی زاده‌ها و فرزندان‌شان را رانده و میان آنها تیرگی پدید شده و اکنون همه کارها در دست بیگانگان است و بزرگ و سر بهائیان آنجا هم یک بیگانه است و هیچ ایرانی دست‌انکار نیست جز لطف‌الله حکیم که از جهودان بهائی است و کارش آوردن و گرداندن بهائیان است بر سر گور سروان این کشیش که در ایران به این کار «زیارتنامه خوانی» می‌گویند:...

خاندان حکیم از بیخ و بن یهودی هستند و آئین و روش این کیش را نگه می‌دارند؛ ولی هر دسته‌ای از آنها در کیشی فرورفته‌اند؛ دکتر ایوب مسلمان شد و در مسلمانان استواری نشان داد. به مسجد می‌رفت و فرزندان‌ش را مسلمان نمود، چنان که اکنون هم هستند. میرزا شکرالله و یک دسته از بستگانش یهودی بود و هستند. میرزا جالینوس و میرزا یعقوب و فرزندان میرزا نورالله مسیحی و پروتستانت شدند و میرزا جالینوس پایگاه کشیشی گرفت و در کلیسا روزهای یکشنبه پند بده بود و از روی انجیل سخنرانی می‌کرد. دکتر ارسطو پدر دکتر منوچهر و غلامحسین و برادرش لطف‌الله، که نامش را بردیم، بهائی شدند. و همه اینها در هر کیشی که خودنمایی می‌کردند شور و جوش نشان می‌دادند؛ ولی در خانه همه با هم همدست و یگانه بودند تا آنجا که ارسطو دختر زیبای خود را به هیچ یک از خواستگاران بهائی نداد و به میرزا جالینوس [مسیحی شده] داد. 19.

خاندان حکیم از خاندان‌های متنوع دوران قاجار و پهلوی و از نسل یک یهودی مهاجر به نام حکیم سلیمان‌اند که در زمان فتحعلی شاه قاجار به ایران کوچیده بود. اعیان او به نام حکیم حق نظر و حکیم موشه (مشه) پزشک خصوصی ناصرالدین شاه قاجار شدند و شبکه گسترده خود را در ایران تنیدند. 20. نمونه دیگر، گروه یهودیان به بای‌گری و بهائی‌گری در کاشان است. از جمله یهودیان سرشناس کاشان که بهائی شدند و خاندان‌های ثروتمند و پرشماری بنیاد نهادند، باید به افراد زیر اشاره کرد: آقا یهودا نیای خاندان میثاقیه، ملاریع که نام خاندان وی ذکر نشده، حکیم یعقوب نیای خاندان برجیس، میرزا عاشور (آشور) و برادران و خواهرش که خانواده‌های پرجمعیت ساجد و ماهر و وحدت و غیره از نسل ایشان است. حکیم فرج‌الله نیای خاندان توفیق، میرزا رحبان (روبین) نیای دو خاندان رحبانی (از نسل پسری) و روحانی (از نسل دختری) ملا سلیمان و میرزا موسی و میرزا اسحاق خان نیاکان خاندان‌های متحده و اخلاقی، میرزا یوسف خان نیای خاندان یوسفیان 21 (به سبب سکونت اعضای این خاندان‌ها در همدان و کاشان، برخی از ایشان همدانی نیز به شمار می‌روند).

در همدان نیز وضعی مشابه با کاشان دیده می‌شود. حسن نیکو می‌نویسد: «در همدان، که مرکز مهم بهائیان است، به استثنای سه چهار نفر همگی یهودی بهائی شده هستند» و همان کلیمی‌ها، که بهائی شده‌اند، زمام امور را به دست گرفته هر اقدامی که مخالف روح اسلامیت است می‌کنند و همیشه به آن سه چهار نفری که، به اصطلاح خودشان، بهائی فرغانی هستند طعن می‌زنند و آنان را در هیچ محفل رسمی عضویت نمی‌دهند. 22.

تعداد زیادی از خانواده‌های بهائی همدان از تبار حاجی لاله‌زار (الغازار)، یهودی همدانی، هستند. او نیای دو هزار نفر یهودی، مسیحی و بهائی است. یکی از پسران او مسیو حائیم است که مسیحی شد. دیگری به نام دکتر موسی خان (حکیم موشه) نیز مسیحی شد. یکی از پسران دکتر موسی خان به نام حکیم هارون یهودی است. خانواده گوهری از نسل ابراهیم، یکی دیگر از پسران حاجی لاله‌زار است. خانواده گرانفر، از نسل موشه پسر دیگر حاجی لاله‌زار، بهائی است. حاجی میرزا یوحنا پسر حافظ‌الصحه بهائی است. آقا یعقوب لاله‌زاری یهودی است. حاجی یهودا (حاجی شکرالله جاوید) بهائی است. حاجی میرزا اسحاق یهودی است. دکتر یوسف سراج بهائی است. حاجی میرزا طاهر، پدر دکتر نصرالله باهر، بهائی بود. حاجی سلیمان، پسر حاجی لاله‌زار، مسیحی بود. عزرا، پسر ارشد حاجی لاله‌زار، یهودی بود. او نیای خانواده‌های رسمی و کیمیابخش است. حکیم موشه پدر دکتر داوود یهودی بود. روبن پسر آقا عزرا نیز یهودی بود. او پدر نجات رابینسن است. حاجی العازار شوشتی یهودی بود. عطاءالله خان حافظی، پسر میرزا یوحنا، یهودی بود. نورالله احتشامی، پسر دکتر داوود مسیحی بود. 23.

وضعی مشابه با شیراز و مشهد و کاشان و همدان را در اراک 24 و تربت 25 و رشت 26 و سایر نقاط ایران و حتی سیاهکل 27 می‌توان دید. در تهران نیز جمع قابل توجهی از یهودیان بهائی شده وجود داشت. بعدها در دوره پهلوی، گروهی از ثروتمندان خاندان‌های یهودی - بهائی سراسر ایران در تهران مجتمع شدند و شبکه‌ای متنوع و مقتدر پدید آوردند که در قلب آن خاندان‌های آزاده، اتحادیه، اخوان صفا، ارجمند، برجیس، برومند، جاوید، حافظی، حقیقی، حکیم، شایان، صمیمی، عزیز، عهدیه، فیروز، لاله‌زار، لاله‌زاری، مؤید، ماهر، مبین، متحده، متحدین، مجذوب، معنوی، ملکوتی، میثاقیان، میثاقیه، نصرت، وحدت، یوسف‌زاده برومند، یوسفیان و غیره جای داشتند. در اواسط دوران سلطنت رضا شاه (1312) افرادی چون میرزا اسحاق خان حقیقی، یوسف وحدت، عبدالله خان متحده، جلال ارجمند و اسحاق خان متحده (یهودیان بهائی شده) متنفعان سران جامعه بهائی تهران بودند. 28.

گروه یهودیان به بهائیت و تلاش برای تبدیل این فرقه به یک دین متنوع جهانی به ایران محدود نیست و در سایر کشورها، به ویژه در اروپا و ایالات متحده آمریکا، نیز یهودیان و یهودیان مخفی (به ظاهر مسیحی) به این فرقه پیوستند. نامدارترین ایشان هیبولت دریفوس است. دریفوس نقش مهمی در گسترش و تقویت بهائیت ایفا نمود. او در حوالی سال 1317 ق. بهائی شد و در سال 1318 ق. در 70 سالگی در پاریس در گذشت. دریفوس در سال 1318 ق. به عکا رفت و مدتی با عباس افندی بود. 29. شناخت نام‌های به ظاهر مسیحی اروپاییان و آمریکاییان بهائی شده دشوار است ولی خانم پولاک را نیز می‌شناسیم که بهائی شد و آسیه نام گرفت. 30. این خانم نیز، چنان‌که نام او نشان می‌دهد، به یکی از خاندان‌های زرسالار یهودی (خاندان پولاک) تعلق داشت. 31.

براساس چنین بستر و با اتکا بر چنین حمایت‌هایی است که بهائی‌گری در طول بیش از یک قرن فعالیت خود در ایالات متحده آمریکا 32 به سازمانی بسیار متنوع هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، در این کشور بدل شد. مرکز بهائیان جهان در آوریل 1985 تعداد اعضای این فرقه در کل قاره آمریکا را 857 هزار نفر اعلام کرده است. 33. بخش مهمی از این گروه بهائیان ایرانی مهاجر در سال‌های پس از انقلاب اسلامی هستند و بخشی بهائیان ایرانی که در طول یکصد سال اخیر به تدریج به ایالات متحده و سایر کشورهای قاره آمریکا مهاجرت کردند. صرف نظر از جمعیت کثیر بهائیان آمریکا، به نفوذ این فرقه در نهادهای دانشگاهی و پژوهشی ایالات متحده آمریکا، که به حاکمیت ایشان بر حوزه مطالعات ایرانی در ایالات متحده آمریکا انجامیده است، نیز باید توجه کرد.

پی‌نوشت‌ها:

1. تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 2، ص 894.

2. حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، تهران، ج 3، ص 634.

3. میرزا جانی کاشانی، صص 101 و 203، مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج 1، ص 382.

4. بنگرید به: تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 1، صص 251-252.

5. Thomas A. Timberg[ed]. Jews in India, India, Vikas publishing House, 1986. pp. 205.229.

6. بنگرید به: تاریخ ظهورالحق، ج8، ق1، صص 251-252.

Judaica, vol. 5, p. 1146 .7

در یهودیت مرتد به یهودی اطلاق می‌شود که واقعاً از یهودیت روی گردانیده است. احکام مجازات اسپینوزا. یهودی مخفی به یهودی اطلاق می‌شود که برای انجام مأموریت دینی - سیاسی یا از سر اجبار و تقیه به دین دیگر گرویده است مانند مارانوه‌های اسپانیا و پرتغال و دونمه‌های عثمانی و آنوسی‌های ایران. برای مثال، ناتان غزه‌ای اعلام مسلمانی از سوی شابتای زوی، بنیادگذار فرقه دونمه، را انجام دادن یک مأموریت جدید عنوان می‌کند که با هدف برافروختن اخگر مقدس در میان کفار [مسلمانان] او می‌نویسد. شابتای در حال انجام دادن واپسین و دشوارترین بخش مأموریت خود است و آن تسخیر خلیفه [حکومت عثمانی] از درون است. او برای انجام دادن این مأموریت مانند یک جاسوس عمل می‌کند که به درون سپاه دشمن اعزام شده بنابراین، مسلمان شدن شابتای به معنی ارتداد نیست بلکه بغرنج‌ترین چهره مأموریت مسیحایی اوست. (بنگرید به: زرسالاران، ج 2، صص 344-345) در دایرة المعارف یهود یک مقاله مستقل به یهودیان مخفی اختصاص دارد و مقاله مستقل دیگر به مرتدان.

.ibid. vol. 2. p.211 .8

.Walter j. Fischel. "Seeret Jews of Persia", Commentary, No. 7,1949, pp. 28-33 .9

.Timberg, ibid. p. 275 .10

.Judaica, vol. 8, p. 1357 .11

.ibid, vol. 12. pp. 854-855 .12

13. درباره‌ی گروهی از زرتشتیان ایران به بهائیت و علل آن در صفحات توضیح خواهم داد.

14. رائین. انشعاب در بهائیت، ص 302.

15. آبتی، کشف الحیل، ج 2، ص 144.

16. انشعاب در بهائیت، ص 171.

17. فلسفه نیکو، ج 1، صص 82-81.

18. خاطرات صبحی، ص 128.

19. فضل الله صبحی مهتدی، پیام پدر، ص 224.

20. بنگرید به: حبیب لوی، تاریخ یهود ایران، ج 3، صص 743-753.

21. تاریخ ظهور الحق، ج 9، ق 2، صص 700-716.

22. فلسفه نیکو، ج 1، ص 19.

23. Houman Sarshar[ed]. Eathers Children: A Portrait Pf Iranian Jews. USA. CA. The Conter For Iranian Jewish Oral History, 2002. p. 201

24. همان، ج 8، ق 1، ص 273.

25. همان، ص 242.

26. همان، ج 8، ق 2، ص 765.

27. میرزا یحیی، میرزا خلیل و آقاخان اسرائیلی سیاهکلی. (همان، ص 775).

28. انشعاب در بهائیت، صص 266-267.

29. تاریخ ظهور الحق، ج 8، ق 2، صص 1184-1185.

30. همان، ص 1199.

31. برای آشنایی با خاندان پولاک بنگرید به: زرسالاران، ج 2، صص 133-135.

32. فعالیت بهائیان در ایالات متحده آمریکا از سال 1892 و با شرکت در نمایشگاه جهانی کلمبیا (شیکاگو) آغاز شد. (گوهر یکتا، ص 275).

عبدالله شهبازی

خبرگزاری فارس